



۱۰۷/۶/۱



تبیین نظریه:
پیشگیری ساختاری از بیماری



محورهای جلسه:

۱. راهبرد سازمان ملل در سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ و نظام سلامت کشور برای سلامت و پیشگیری چیست؟
۲. مفاهیم پایه در طب اسلامی چیست؟
۳. روش اجرای پیشگیری ساختاری از بیماری در طب اسلامی چگونه است؟
۴. نسخه و نسخه نویسی در طب اسلامی چه تعریفی دارد؟

شورای راهبردی
الگوی پیشرفت اسلامی
شهریورماه ۱۴۰۰

ارائه: حجت الاسلام کشوری در
جمع پژوهشگران و اطباء طب
اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَكَايِنُ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رِيثُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ.

آیه ۱۴۶ سوره مبارکه آل عمران

چه بسا پیامبرانی که انبوهی دانشمندان الهی مسلک [و کاملان در دین] به همراه او با دشمنان جنگیدند، پس در برابر آسیب‌هایی که در راه خدا به آنان رسید، سستی نکردند و ناتوان نشدند و [در برابر دشمن] سر تسلیم و فروتنی فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.

بسم الله الرحمن الرحيم

تبیین نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری

برنامه سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ و نظام سلامت در کشور

مفاهیم پایه در طب اسلامی

روش اجرای پیشگیری ساختاری از بیماری در طب اسلامی

بازتعریف نسخه و نسخه‌نویسی در طب اسلامی

مدیریت اقتصاد، اجتماع، سرزمین و محیط‌زیست از جمله موارد مؤثر بر سلامت

پوشش همگانی سلامت در کشور

مدیریت سلامت و سوء تغذیه در تولیدمثل، مادران، نوزادان، کودکان و بزرگسالان

پایان دادن به بیماری‌های عفونی مثل ایدز، سل، مالاریا، هپاتیت

پایان دادن به بیماری‌های غیر واگیر، سلامت ذهنی و مدیریت مواد مخدر

روش تحقیق جدید

طبع و مزاج

هدایت قلب عامل سلامت قلب

نسخه درمان؛ جهت مداوای فرد

نسخه مشاوره؛ جهت درمان جامعه و اصلاح نظم اجتماعی

نسخه موازنه؛ جهت مقابله با نسخه غلط و رایج در جامعه

ظنی و متکی بر حدس و گمان

بخشی و عدم نگاه نظامند در تحلیل شیء

متکی بر گزارش خالق از شیء

مبتنی بر وحدت ترکیبی شیء

سلول

صفر، سودا، بلغم و دم

زیر ساخت های ۹ گانه هدایت عامل ایجاد سلامت در قلب

قلب عامل تعدیل طبایع در بدن

اشکالات به روش تحقیق مرسوم

ویژگی های روش تحقیق جدید

مفهوم رغیب در طب سلولی

تعریف طب اسلامی از مزاج

شناسنامه:

جزوه پیشرو متن پیاده شده سخنرانی حجت الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) در نشست تبیین نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری در جمع پژوهشگران و اطباء طب اسلامی است که در تاریخ ۱۷ شهریورماه ۱۴۰۰ در قم برگزار شده است.

فهرست مباحث

- جانمایی نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی و طبقه‌بندی فقهی علوم..... ۱
- ۱/۱ اشکالات سه گانه طبقه بیکنی (فعلی) از علم ۱
- تبیین اجمالی محورهای سخنرانی..... ۳
۱. برنامه سند توسعه پایدار و نظام سلامت کشور در حوزه سلامت و پیشگیری چیست؟ ۵
- ۱/۱ اقتصاد، اجتماع، سرزمین و محیط‌زیست از جمله موارد مؤثر بر سلامت؛ اولین راهبرد سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ در بخش سلامت ۵
- ۱/۲ پوشش همگانی سلامت در کشور؛ دومین راهبرد سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ در بخش سلامت ۵
- ۱/۳ سلامت و سوء تغذیه در تولیدمثل، مادران، نوزادان، کودکان و بزرگسالان؛ سومین راهبرد سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ در بخش سلامت ۵
- ۱/۴ پایان دادن به بیماری‌های عفونی مثل ایدز، سل، مالاریا، هیپاتیت؛ چهارمین راهبرد سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ در بخش سلامت ۶
- ۱/۵ پایان دادن به بیماری‌های غیرواگیر، سلامت ذهنی و مدیریت مواد مخدر؛ پنجمین و ششمین راهبرد سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ در بخش سلامت ۶
۲. مفاهیم پایه در طب اسلامی چیست؟..... ۷
- ۲/۱ روش تحقیق؛ اولین مفهوم پایه در طب اسلامی ۷
- ۲/۱/۱ اتکا به حدس و گمان در روش تحقیق طب سلولی؛ اولین اشکال بنیادین در روش تحقیق طب سلولی..... ۷
- ۲/۱/۲ نگاه بخشی و غیرنظامند به اشیاء؛ دومین اشکال بنیادین به روش تحقیق طب سلولی..... ۷
- ۲/۱/۳ اتکا به گزارش و اشراف خالق از اشیاء و اثبات صدور گزارش از جانب خالق؛ اولین ویژگی روش تحقیق در طب اسلامی ۸
- ۲/۱/۴ انجام پنج نوع کار فکری مانند کشف سؤال و استفاده از تجربه روی گزارش‌های خالق از اشیاء؛ دومین ویژگی روش تحقیق در طب اسلامی ۹

- ۲/۲ طبع و مزاج دومین مفهوم پایه در طب اسلامی ۱۰
- ۲/۲/۱ تبیین نسبت میان مفاهیمی مانند حیات، پیشگیری با طبع؛ نتیجه بحث از طبع به عنوان مفهوم پایه در طب اسلامی ۱۲
۳. روش اجرای پیشگیری ساختاری از بیماری در طب اسلامی ۱۲
- ۳/۱ قلب عامل ایجاد تعادل در طبایع و بالتبع ایجادکننده ایمنی در بدن ۱۲
- ۳/۲ ایجاد سلامت در قلب راهکار ایجاد سلامت و ایمنی در بدن ۱۳
- ۳/۳ هدایت و ضلالت عامل سلامت یا بیماری قلب ۱۳
- ۳/۴ زیر ساخت‌های ۹ گانه هدایت؛ عامل ایجاد سلامت در قلب ۱۴
۴. بازتعریف نسخه و نسخه‌نویسی در طب اسلامی ۱۶
- ۴/۱ نسخه‌های درمانی اولین نوع نسخه در طب اسلامی؛ برای معالجه فرد ۱۶
- ۴/۲ نسخه‌های مشاوره دومین نوع نسخه در طب اسلامی؛ برای معالجه جامعه ۱۶
- ۴/۳ نسخه‌های موازنه سومین نوع از نسخه در طب اسلامی؛ جهت مقابله با نسخه غلط رایج در جامعه .. ۱۶
- بیان جمع‌بندی از محورهای سخنرانی ۱۷
- پیوست‌ها ۱۸
- پیوست ۱: سند رساله ذهبیه ۱۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا و شفيعنا في يوم الجزاء ابي القاسم محمد ﷺ و على اهل بيته الطيبين الطاهرين سيما بقية الله في الارضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف و اللعن الدائم على اعدائه اعداء الله.

جانمایی نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی و طبقه‌بندی فقهی علوم

از اینکه خدمت برادران و خواهران گرامی رسیدم خوشحال هستم. ان شاء الله مباحثه امروز هم به درد چند روز زندگی دنیایی ما بخورد و هم ذخیره‌ای برای برزخ و قیامت ما باشد. همان‌طور که به استحضار شما رسیده است موضوع جلسه پیشگیری ساختاری از بیماری است. این بحث یکی از نظریات مطرح در اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی است. به لحاظ جایگاه، در علوم مربوط به امام و امامت جانمایی می‌شود. همان‌طور که برادران و خواهران گرامی کم‌وبیش شنیده‌اند ما طبقه جدیدی از علم را به جای طبقه‌بندی بیکنی از علم ارائه کرده‌ایم. در طبقه‌بندی بیکنی از علم شما به سه دسته علم روبرو هستید. علوم پایه، علوم تجربی و علوم انسانی.

۱،۱ اشکالات سه‌گانه طبقه‌بندی بیکنی (فعلی) از علم

ما اشکالاتی را به این طبقه‌بندی وارد کرده‌ایم از جمله اینکه این طبقه‌بندی از علوم آموزش‌های مربوط به تنظیم روابط انسانی را به ما آموزش نمی‌دهد. اگر مجموع علوم نتوانند به بشر تنظیم روابط انسانی را آموزش دهند در نهایت زندگی بشر مملو از اصطکاک و چالش خواهد شد. اساس زندگی سالم تنظیم صحیح روابط انسانی است. روابط انسانی نیز سبزه حوزه مهم

۱. فرانسویس بیکن علم را به سه بخش تاریخ، شعر و فلسفه تقسیم کرد هر کدام از این طبقات تقسیماتی دارند. بیکن فلسفه را به فلسفه الهی که موضوعش خداست، فلسفه طبیعی که موضوعش طبیعت است و فلسفه انسانی که موضوعش انسان است تقسیم نمود. بعد از او طبقه‌بندی‌های متعددی از علم بیان شد که همگی متأثر از این طبقه‌بندی بودند.

دارد که بنده الان نمی‌خواهم به آن پردازم. به دلیل اینکه طبقه‌بندی بیکنی از علم قدرت تنظیم روابط انسانی را ندارد، طبقه‌بندی معیوبی به حساب می‌آید.

اشکال دومی هم این طبقه‌بندی وارد است که عبارت است از عدم آشنایی کامل با خاصیت‌های اشیاء. مثلاً اگر شما جدول مندلیف^۲ را آموزش ببینید با مفهوم عدد اتمی^۳، میزان واکنش‌پذیری یا عدم واکنش‌پذیری نافلزها، فلزها و گازها، با رسانایی یا عدم رسانایی عناصر، با چکش‌خواری یا عدم چکش‌خواری فلزها و با مجموعه‌ای از اطلاعات شبیه به این آشنا می‌شوید ولی هیچ‌وقت به شما گفته نمی‌شود چرا طلا برای مرد حرام است؟ یعنی اثر طلا بر سلامت انسان بحث نمی‌شود. یا مثلاً گفته نمی‌شود که آب شی‌ای موردعلاقه اجنه است و برای همین به ما توصیه شده است استراحتگاه ساختمان را از آشپزخانه، حمام و سرویس بهداشتی جدا کنید.^۴ وقتی خانه تر شد علاوه بر اینکه استحکام خانه کاهش پیدا می‌کند، باعث جذب اجنه نیز خواهد شد. در جدول مندلیف نسبت آب و اجنه بحث نمی‌شود. یا مثلاً نسبت آهن و اجنه موردبحث قرار نمی‌گیرد. آهن نیز موردعلاقه اجنه است^۵ و البته دارای منافعی هم هست البته که استفاده از آن در ساختمان توصیه نمی‌شود. در مجموع باید گفت خاصیت اشیاء به صورت کامل در طبقه‌بندی بیکنی از علم بحث نشده است و بنده این موارد را به عنوان مثال عرض کردم ولی به صورت تفصیلی از خاصیت اشیاء در جدول تسخیر صحبت شده است. ما در جدول تسخیر اشیاء عالم را در نوزده گروه طبقه‌بندی کرده‌ایم و تقریباً حدود دویست شیء پرکاربرد را بحث کرده‌ایم. وقتی کسی بر این اساس به تصرف در طبیعت می‌پردازد به نقصان جدول مندلیف در توصیف اشیاء پی خواهد برد و تمام وقت خود را برای آموزش جدول مندلیف صرف نمی‌کند. اشکال سوم به طبقه‌بندی بیکنی از علم عدم آموزش اسماء الهی است. مهم‌ترین کارکرد اسماء الهی معرفی خدای متعال است. بین انسانی که اسماء الهی را می‌شناسد با انسانی که اسماء الهی را نمی‌شناسد فرق است. از معروف‌ترین اسماء الهی همین نام رحمان و رحیم است. اگر کسی اسم رحمان الرحیم را بشناسد موقع نیاز به معرفت خود رجوع می‌کند اما اگر کسی اسماء الهی را نشناسد موقع نیاز چه اتفاقی برای او رخ می‌دهد؟ اولین اتفاقی که برای او رخ می‌دهد احاطه ترس و اضطراب بر تمام وجود اوست و موقع رفع نیاز به دارایی‌های دیگران فکر می‌کند و به حقوق دیگران تجاوز خواهد کرد؛ لذا است که وقتی فردی اسماء الهی را نشناسد به صورت پیش‌فرض به تجاوز فکر می‌کند و کسی که اسماء الهی را شناخت فقرش و نیازش را از خدای متعال طلب می‌کند. اگر کسی اسماء الهی را بشناسد ایتار می‌کند و خدا را جبران کنند می‌داند ولی اگر کسی خدا را نشناسد به‌سختی ایتار می‌کند و از حق خود می‌گذرد. مسئله شناخت اسماء الهی در ایجاد نظم اجتماعی

۲. جدول تناوبی عناصر توسط لائوازیه ارائه شد و پس از چندین سال دیمیتری مندلیف شیمیدان روسی جدولی از عناصر کشف شده ارائه کرد که دو ویژگی داشت اولاً جای عناصر شناخته نشده خالی بود تا در آینده جانمایی شود و ثانیاً به صورت ناخواسته بر اساس عدد اتمی مرتب شده بود و بعد ها به همین دلیل با کشف نوترون و پروتون اهمیت بیشتری یافت.

b2n.ir/p81140

۳. به تعداد پورتون‌های موجود در هسته اتم عدد اتمی می‌گویند.

۴. اشاره به این آیه: وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا / جن، ۱۶

و اگر [انس و جن] بر طریقه حق پایداری کنند حتماً آنان را از آب فراوانی سیراب خواهیم کرد، [ترجمه انصاریان]

۵. التَّهْذِيبُ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ أَكْبَلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: جَعَلَ اللَّهُ الْحَدِيدَ فِي الدُّنْيَا زِينَةَ الْجِنَّ وَالسَّبَاطِينِ فَحَرَّمَ عَلَى الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَلْبَسَهُ فِي الصَّلَاةِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ الْمُسْلِمُ فِي قِتَالٍ عَدُوٍّ فَلَا بَأْسَ بِهِ.

ترجمه: خدای متعال آهن را برای جن و شیاطین زینت قرار داد و بر مردم مسلم استفاده از آن را در نماز حرام کرد مگر اینکه در جنگ با دشمن باشد و در این صورت اشکالی ندارد.

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام ج ۶۰، ص ۷۳

اهمیت فراوانی دارد و اصطکاک در روابط اجتماعی و تجاوز را به محبت و ایثار تبدیل می‌کند. در طبقه‌بندی بیکنی از علم اسماء الهی را آموزشی نمی‌دهند ما بسیار دچار خسران می‌شویم. در روایت می‌فرماید اگر کسی به نود و نه اسم الهی معرفت داشته باشد وارد بهشت می‌شود. این اسماء هر کدام بخشی از غنای و اعطای الهی را به بشر امروز مطرح می‌کنند. حال این مقدمه را عرض کردم که بگویم ما طبقه‌بندی جدیدی از علم را بحث کرده‌ایم که اگر کسی طبقه‌بندی جدید از علم را فرا بگیرد، حداقل سه فایده را به دست خواهد آورد. اول آنکه می‌تواند روابط انسانی خود را تنظیم کند و ثانیاً اشیاء را بهتر می‌شناسد و ثالثاً معرفتش از اسماء الهی ارتقا پیدا می‌کند. اما اگر کسی این طبقه‌بندی را نیاموخت از این سه فایده محروم خواهد ماند [و ما می‌دانیم محروم ماندن از این سه فایده یعنی بهره حداقلی از زندگی]. حال نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری یکی از علوم مطرح در طبقه‌بندی جدید است و در بخش علوم مرتبط با امامت طرح می‌شود. از دیگر علوم مرتبط با امامت نظریه محرومیت‌زدایی از دیدگاه امام است. یکی از مهم‌ترین تلاش‌های امام علیه‌السلام و مأموریت‌های مهم حکومت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام رسیدگی به محرومین بوده است. حال سؤالی که پیش می‌آید آن است که حضرت چگونه محرومیت‌زدایی می‌کردند؟ جالب است که در این چند صدسال که شیعه اقامه عزا برای امیرالمؤمنین علیه‌السلام کرده است و مناقب ایشان را بیان کرده به جزئیات رفتار ایشان در رفع محرومیت به صورت جدی پرداخته است. اما اکنون ما ذیل نظریه تعرف مجموعه اقدامات امام علیه‌السلام را جهت محرومیت‌زدایی جمع‌بندی کرده‌ایم و حدود هفتاد تا هشتاد ساعت میان‌دوستانی که محرومیت‌زدایی می‌کنند شرح داده‌ایم. غرض بنده از بیان این مقدمه آن بود که جایگاه نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری در ذهن شما آشکار شود. این نظریه بسیار مهم است و امیدوارم در این جلسه بتوانم به صورت واضح آن را خدمت شما شرح دهم.

تبیین اجمالی محورهای سخنرانی

برای آنکه این نظریه به صورت کامل فهم شود در چهاربخش آن را خدمتتان شرح خواهم داد.

در محور اول نظام سلامت کشور و بخش سوم سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ را مرور می‌کنم. استحضار دارید که بخش سوم سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ مختص راهکارهای WHO برای سلامت در حداقل ۲۰۱۵ الی ۲۰۳۰ است. بنده در بخش اول به صورت بسیار اجمالی خدمتتان توضیح می‌دهم که این سازمان چه تدابیری را برای سلامت اندیشیده است. این سرفصل مهم است چرا که این سازمان ذیل سیاست‌گذاری برای بخش سلامت بسیاری از بدعت را پایه‌گذاری کرده است. مثلاً به حذف قانون ارث توصیه کرده است. البته باید بحث شود که این موضوع چه ارتباطی با سلامت دارد؟ یا مثلاً ذیل توصیه‌های سازمان WHO کنترل جمعیت در حال رقم خوردن است یا توصیه شده است سقط جنین به صورت ایمن اتفاق بیفتد. همان‌طور که شما می‌دانید سقط جنین در اسلام حرام است و نوعی قتل به حساب می‌آید. این سازمان چشم خود را به این حرام بسته است و توصیه می‌کند در شرایطی که به مادر لطمه وارد نشود سقط جنین به صورت ایمن اتفاق بیفتد.^۶ اصل آن را پذیرفته است لکن در نوع آن به شکلی بحث می‌کند تا زنان کمتر آسیب ببینند. از این دست مسائل در سند توسعه پایدار فراوان است و ما باید به این سند مسلط باشیم. به خاطر همین سرفصل است که حوزه علمیه قم با تبعیت محض وزارت بهداشت از سازمان بهداشت

۶. ایمن ساختن سقط جنین: تخمین زده شده است در سال ۲۰۰۸ تقریباً نیمی از ۴۳/۸ میلیون سقط انجام شده در سطح جهان ایمن نبودند، بخش اعظم آنها در کشورهای در حال توسعه صورت گرفته است. در مناطقی که دارای محدودیت‌های قانونی در مورد سقط القا شده می‌باشند نرخ‌های سقط القا شده بین ۲۰ تا ۴۰ مورد به ازای ۱۰۰۰ زن که در سن بارداری قرار دارند بوده است. حدود ۸ درصد مرگ و میرهای مادران به علت سقط می‌باشد.

جهانی مخالف است. بنده قبلاً در نامه‌ای به آقای نمکی این را عرض کرده‌ام و الان نیز به برادر خود آقای عین الهی همین را عرض می‌کنم: توصیه ما به شما این است که دست از تبعیت پروتکل‌های سازمان بهداشت جهانی بردارید و سعی کنید خودتان پروتکل‌های بومی را طراحی کنید. اگر نیاز به کمک علمی هم دارید ما به شما کمک می‌کنیم تا پروتکل‌ها و سیاست‌هایی قوی‌تر نسبت به سازمان بهداشت جهانی تدوین کنید.

در سرفصل دوم به نظام معنایی طب اسلامی می‌پردازیم. در این بخش مفاهیم پایهٔ طب اسلامی را بحث می‌کنیم. همان‌طور که مستحضر هستیید فقط با نوشتن نسخه نمی‌توان از طب اسلامی دفاع کرد. اطباء ما در طب اسلامی وقتی می‌خواهند از داروها و توصیه‌های خود دفاع کنند از مفاهیمی چون ریز مغذی‌ها و پروتئین‌ها و ویتامین‌ها و امثالهم استفاده می‌کنند و بنده هم به این دوستان عرض می‌کنم شما با این کار نظام معنایی طب سلولی را ترویج می‌کنید چرا که در طب سلولی - همان‌طور که از نام‌گذاری ما معلوم است - سلول و مولکول‌های زیستی محور است. وقتی می‌خواهید از جذر یا زردک یا هویج دفاع کنید، فواید آن را بر اساس بیان می‌کنید و پذیرفته‌اید معنای اصلی سلول، متابولیسم، آنابولیسم و غیره اصالت دارد و می‌گویید فلان ویتامین را دارد. خوب پس وقتی شما مفاهیم اصلی طب سلولی را پذیرفته‌اید چرا در نسخه‌نویسی که طبیعتاً از مفاهیم اصلی تبعیت می‌کند با طب سلولی مخالفت می‌کنید؟ این نسخه زائیدهٔ این نظام مفاهیم است و شما باید نسخه خود را با این مفاهیم منطبق کنید. یا برخی گفته‌اند عرق همان ژن است. انگار دفت ندارند ژن از جمله موارد دقیقی است که ذیل سلول تعریف می‌شود و نباید از این مفاهیم در طب اسلامی استفاده کرد؛ بنابراین مهم است مفاهیم پایه را مورد بحث قرار دهیم.

در بخش سوم مفهوم پیشگیری ساختاری را بحث می‌کنیم. بسیار می‌شنویم که پیشگیری مقدم بر درمان است ولی در عمل و گفتمان چه طب اسلامی و چه در سند توسعه پایدار این مباحث ضعیف است. به خاطر می‌آید یکی از وزرای بهداشت وقتی داشت بیمارستانی را که اصل وجودش برای درمان است نه پیشگیری، به پیشگیری از بیماری افتتاح می‌کرد. به همین جهت لازم است به صورت تفصیلی‌تر به آن به پردازیم و تاکید می‌کنم که این بخش از عرایض بنده اصلی‌ترین محور است.

و در نهایت در سرفصل چهارم به بازتعریف مفهوم نسخه می‌پردازیم. در حال حاضر نسخه آن چیزی است که به صورت بد خط اطباء طب سنتی می‌نویسند. حال این تعریف ابتدایی را بپذیریم یا اگر به آیات و روایات پردازیم و حداقل سه نوع نسخه خواهیم داشت.

این چهار سرفصل به صورت بسیار اجمالی نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری را تشریح خواهیم کرد اما حداقل چهار جلسه برای تشریح این نظریه احتیاج است و امیدواریم که خدای متعال توفیق برگزاری این جلسات را به ما بدهد. یکی از مشکلات ما در فضای فعلی کشور این است که عمده آموزش را طبقه‌بندی بیکنی اشغال کرده و مباحث تمدنی حتی در حوزه علمیه قم مباحث روز پنج‌شنبه است و آن‌هایی که خیلی عالمانه و فنی به این مباحث می‌پردازند در روزهای پنج‌شنبه جلسه‌ای می‌گذارند و [شاید] علت اینکه در جمهوری اسلامی سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ اجرا می‌شود آن است که در به صورت تفصیلی درباره آینده و تمدن نوین اسلامی صحبت نمی‌کنیم و آن‌هایی که دلشان برای انقلاب می‌سوزد باید مدرسه شبانه‌روزی و تمام‌وقت برای مباحث انقلاب اسلامی راه‌اندازی کنند. ما به عنوان شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی خوش اقبال بوده‌ایم که طی یک دهه گذشته دو الی سه هزار جلسه برگزار کرده‌ایم و مرکز الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی در مقایسه شورای راهبردی الگوی پیشرفت به شکل ابتدایی و بسیار ساده‌تر به گفت‌وگو می‌پردازد و شاید سالی دو نشست و همایش تخصصی برگزار می‌کنند. اگر طی یک سال گذشته از شبکه خبر آمار برنامه‌های صبحگاهی و شبانگاهی را بگیرید. چقدر خبر درباره الگوی پیشرفت

اسلامی ایرانی می‌شنوید؟ اگر درباره مسئله‌ای گفت‌وگو نشود آن مسئله اجرایی هم نمی‌شود. حال این مشکل گریبان مسائل طبی را هم گرفته است. ما در حوزه علمیه قم چند جلسه طبی برگزار می‌کنیم؟ به اندازه کلاس‌های مکاسب هست؟! خیلی کم به این مباحث می‌پردازیم [و انتظار هم داریم تصرف‌های حداکثری در نظام سلامت کشور داشته باشد]. خیر، نباید از طب اسلامی انتظار تصرف حداکثری داشت.

۱.۱ برنامه سند توسعه پایدار و نظام سلامت کشور در حوزه سلامت و پیشگیری چیست؟

سرفصل اول این است که نظام سلامت کشور و سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ به چه مسائلی [در حوزه سلامت و پیشگیری] پرداخته است؟ در مجموع در سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ درباره نظام سلامت نه سرفصل وجود دارد.

اولین سرفصل درباره جایگاه سلامت در کل سند توسعه پایدار است. در واقع می‌خواهد گزارشی از عملکرد سازمان بهداشت جهانی در حوزه سلامت بدهد. مثلاً در بخش ششم سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ مسئله آب و فاضلاب را دارید. این دو مورد پشتیبان سلامت هستند و به سلامت کمک می‌کنند. اشاره‌ای هم به سند هشت آرمان می‌کند. سند هشت آرمان در سپتامبر سال ۲۰۰۰ تصویب شد و مانند سند ۲۰۳۰ کشورهای جهان ابلاغ شد. آن سند هشت آرمان داشت و این سند ۲۰۳۰ هفده آرمان دارد. در آن سند هشت آرمان سه بخش به سلامت اختصاص پیدا کرده بود.

۱/۱ اقتصاد، اجتماع، سرزمین و محیط‌زیست از جمله موارد مؤثر بر سلامت؛ اولین راهبرد سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ در بخش سلامت

سرفصل دوم زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سرزمینی و زیست‌محیطی را بحث می‌کند. اصطلاحاً به شکلی پیشگیری را از دیدگاه سازمان بهداشت جهانی بحث می‌کند. به نوعی مدعی است پیشگیری ریشه در اجتماع، اقتصاد و محیط‌زیست دارد یعنی اصطلاحاً محورهای پیشگیری از دیدگاه سازمان ملل سه بخش است. مثلاً می‌گوید شهرنشینی و سلامت. یکی از عواملی که سلامت را کاهش داده است مهاجرت مردم از روستا به شهر است. در بخش‌های مختلف به مضر بودن زندگی شهری اشاره کرده است. یا مثلاً سالمندی و سلامت را مورد بحث قرار داده است و بیماری‌های این قشر و مشکلات ایشان را مورد بحث و بررسی قرار داده است. یا مهاجرت و سلامت یکی دیگر از سرفصل‌ها است. همان‌طور که می‌دانید در جهان مهاجرت موردی طبیعی است. مثلاً در کانادا یا آمریکا یا غیره مکان‌ها و محله‌هایی مخصوص ایرانی‌ها است.

پس بنابراین مطالب سرفصل دوم سند به پیشگیری تعلق دارد و سه بخش اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی دارد.

۱،۲ پوشش همگانی سلامت در کشور؛ دومین راهبرد سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ در بخش سلامت

سرفصل سوم پوشش همگانی سلامت است. این بخش مهم‌ترین عنوان در موضوع سلامت است و توصیه سازمان بهداشت جهانی به تمام کشورها این است که پوشش سلامت را در منطقه خود ارتقا دهند. این سرفصل با چهار زیر عنوان پیگیری شده است. ۱. اطلاعات مردم را بالا ببرید ۲. کادر پزشکی را تقویت کنید ۳. دارو و واکسن کمیاب است و باید در دسترس همه قرار گیرد ۴. مراکز درمانی را افزایش دهید و با کیفیت کنید. فلذاست که یکی از افتخارهای مسئولین افتتاح بیمارستان‌ها با تعداد تختخواب بیشتر است. در ایران کل این طرح را با عنوان طرح تحول سلامت اجرایی کردند و مرادشان از طرح تحول سلامت، پوشش همگانی سلامت سازمان بهداشت جهانی بود و مثل برجام و برخی حوزه‌های دیگر به صورت حداکثری از سازمان‌های بین‌المللی تبعیت کردند.

۱،۳ سلامت و سوءتغذیه در تولیدمثل، مادران، نوزادان، کودکان و بزرگسالان؛ سومین راهبرد سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ در بخش سلامت

سرفصل چهارم به سلامت و سوء تغذیه در تولیدمثل، مادران، نوزادان تازه متولد شده، کودکان و بزرگسالان می‌پردازد و مدعی است در این گروه‌ها سوء تغذیه وجود دارد و هنوز نتوانسته‌اند آن را حل کنند و این مسئله در تمام کشورهای جهان اعم از توسعه یافته و نیافته مطرح است.^۷ بنده اصرار دارم حساسیت‌های سازمان بهداشت جهانی را بشناسید. اگر می‌خواهیم نظام طبی جدید را ایجاد کنیم باید به رقیب بدعت‌گذار توجه جدی کنیم و اگر به این موارد توجه نشود ممکن است در تله تبلیغاتی دشمن قرار بگیریم. در مبارزه تمدنی ما حتماً یکی از سازمان‌هایی که باید مورد بررسی و شناخت قرار گیرد سازمان بهداشت جهانی است. اگر ما با واکسن یا پروتکل‌های بهداشتی این سازمان مخالفت می‌کنیم به علت آن است که این سازمان را چندین سال مورد بررسی قرار داده‌ایم. بنده فکر می‌کنم اگر در بیوت علما گروهی مطالعاتی راه‌اندازی شود و گزارش‌هایی مستند و علمی تهیه کنند و در اختیار علما قرار دهند، نگاه‌ها به مسئله واکسیناسیون و سازمان بهداشت جهانی تغییر خواهد کرد. علت اعتماد و اطمینان به سازمان بهداشت جهانی عدم شناخت ما نسبت به این سازمان است.

بنده با استدلال عرض می‌کنم واکسیناسیون ابزار کنترل جمعیت و عقیم‌سازی جامعه است. دوستان ما نسبت به واکسیناسیون خوش‌بین هستند و در این موقع است که آیت‌الله امام خامنه‌ای حفظ الله تعالی تدبیری را می‌اندیشند و توصیه می‌کنند که واکسن داخلی به دیگر واکسن‌ها ترجیح دهید. چرا که ایشان می‌دانند واکسن ابزار سیاست‌گذاری و کنترل جمعیت توسط استکبار است. البته ما نیز در تولید و توزیع واکسن برکت موفق نبودیم. چرا این اتفاق رخ می‌دهد؟ چون نظام سلامت کشور مقلد سازمان بهداشت جهانی است. فکر نمی‌کنم تا کتون جلسه‌ای در نقد سازمان بهداشت جهانی در سازمان بهداشت کشور ما منعقد شده باشد! نگاه دوستان در وزارت بهداشت و حوزه علمیه بسیار مثبت است. اگر شخصی این بخش از سند ۲۰۳۰ را به صورت دقیق مطالعه کند، سطح گفت‌وگوهایش با نخبگان و مسئولین ارتقا پیدا می‌کند. مثلاً یکی از سؤالات خوبی که قابل طرح است محل تأمین بودجه سازمان بهداشت جهانی است. منابع تأمین بودجه سازمان بهداشت جهانی کجاست؟ به چه غرضی در این سازمان سرمایه‌گذاری می‌کنند؟

۱,۴ پایان‌دادن به بیماری‌های عفونی مثل ایدز، سل، مالاریا، هپاتیت؛ چهارمین راهبرد سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ در بخش سلامت

سرفصل پنجم مربوط به بیماری‌های عفونی است. مثلاً گفته‌اند ما در اس تی جی یا همان سند ۲۰۳۰ به دنبال پایان‌دادن به اپیدمی ایدز، سل، مالاریا، بیماری‌های مربوط به مناطق گرمسیری، هپاتیت، بیماری‌های منتقل شده از آب و غیره هستیم. اگر کسی این موارد را بخواند باید سؤال کند که در ایران که اپیدمی مالاریا یا ایدز یا سل وجود ندارد. [پس برای چه برنامه می‌گیریم و اجرای کنیم؟]

۱,۵ پایان‌دادن به بیماری‌های غیرواگیر، سلامت ذهنی و مدیریت مواد مخدر؛ پنجمین و ششمین راهبرد سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ در بخش سلامت

سرفصل ششم مربوط به بیماری‌های غیرواگیر است. عمده این بیماری‌ها نیز فشارخون، سکنه قلبی، پوکی استخوان و غیره است.

۷. آمریکا، اروپا و آسیای میانه از جمله مناطقی هستند که دچار سوء تغذیه هستند. ایالات متحده آمریکا نیز از جمله کشورهایی است که مردم دچار سوء تغذیه شدید هستند.

b2n.ir/d38168

b2n.ir/b11103

b2n.ir/g30922

b2n.ir/m07697

سرفصل هفتم سلامت ذهنی و استفاده از مواد مخدر است. سرفصل هشتم آسیب‌ها و خشونت. سرفصل نهم نیز آن است که چگونه جایگاه و منزلت سازمان بهداشت جهانی را ارتقاء دهیم؟

خلاصه مطلب آن است که نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری در مقابل این بخش از سند توسعه پایداری است و وقتی بگذارید جهت مطالعه بخش سوم سند توسعه پایداری بخش سوم آن یعنی مطالب مربوط به سلامت.

۲. مفاهیم پایه در طب اسلامی چیست؟

سرفصل دوم مربوط به نظام معنایی طب اسلامی است. مفاهیم اصلی طب اسلامی چیست؟ دو مفهوم اصلی در طب اسلامی وجود دارد. اگر به این دو مفهوم توجه نشود نمی‌توانیم این مسئله را با نظام مبارک جمهوری اسلامی تفاهم کنیم.

۲٫۱ روش تحقیق؛ اولین مفهوم پایه در طب اسلامی

اولین موضوع روش تحقیق در حوزه سلامت است. آیا ما روش تحقیق فعلی در نظام سلامت را بپذیریم؟ همان‌طور که در نشست پروتکل‌های فقهی مدیریت کرونا بحث کردم حداقل دو اشکال دارد.

۲٫۱٫۱ اتکا به حدس و گمان در روش تحقیق طب سلولی؛ اولین اشکال بنیادین در روش تحقیق طب سلولی

اول آنکه اتکا روش تحقیق فعلی به نظریه و فرضیه است. نظریه زیرساخت است و فرضیه روی ساخت است. یعنی وقتی یک پزشک در حال مطالعه کردن است، قبل از اینکه نمونه‌ای آماری یا حرفی قطعی بزند، ارتباط بین یک یا چند متغیر را حدس می‌زند. حدس ناشی از ذکاوت است و هیچ‌وقت حدس ناشی از اشراف نیست و به اصطلاح قرآنی ظن است و همان‌طور که قرآن می‌فرماید وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ^۸ و شرط احتیاط و شرط عقل است که انسان به گزاره‌های ظنی و حدسی اعتماد نداشته باشد چرا که گاهی صحیح است و گاهی غلط و همین امکان باعث می‌شود برای زندگی بشر از گزاره‌های ظنی استفاده نشود و نکنیم. با توجه به این مقدمه وقتی اطباء می‌گویند هر ۲۰ الی ۳۰ سال کل داروهای تغییر پیدا می‌کند.^۹ چرا که به تدریج عوارض و مشکلات داروها کشف می‌شود و مجبور به تغییر آن‌ها هستند و تمام این عوارض به جهت اتکا به ظن است.

۲٫۱٫۲ نگاه بخشی و غیر نظامند به اشیاء؛ دومین اشکال بنیادین به روش تحقیق طب سلولی

اشکال دومی که به بحث روش تحقیق وارد است از حیث التقاطی است. به این معنا که وقتی بشر قصد مطالعه درباره شیئی ای را هر مفهوم را می‌کند به صورت بخشی و تک‌بعدی به آن می‌پردازد. مثلاً وقتی ما می‌خواهیم درباره درخت مطالعه کنیم گاهی با حیث بررسی ریشه‌های آن است، گاهی با حیث رابطه درخت و محیط‌زیست و پرندگان آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم، گاهی اوقات درخت را از حیث کاهش دما مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم. حال این روش تحقیق چه اشکالی دارد؟ این روش گزاره‌هایی تولید می‌کند مثلاً اگر درخت کاشته شود تا محدوده‌ای خاص دما کاهش پیدا می‌کند و همه ما این را تجربه کرده‌ایم و صحیح است. یا ثمره تحقیق درباره ریشه درخت‌ها استفاده از برخی درخت‌ها در مناطق گرمسیر و یا سردسیر است

۸. وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ آیه ۳۶ سوره یونس

و بیشتر آنان [در عقاید و آرایشان] جز از گمان و ظن پیروی نمی‌کنند، یقیناً گمان و ظن به هیچ وجه انسان را از حق بی‌نیاز نمی‌کند، [و جای معرفت و دانش را نمی‌گیرد] مسلماً خدا به آنچه انجام می‌دهند، داناست. [انصاریان]

۹. داروهای متروکه یا withdrawn drug لیستی از دارو‌هایی هستند که هر ساله توسط سازمان بهداشت جهانی منتشر می‌شود. این دارو‌ها به علت عوارض بیش از اندازه از داروهای معتبر خارج شده‌اند. شایان ذکر است این دارو‌ها طی بازه زمانی ۵ الی ۲۵ سال مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

جهت اطلاعات بیشتر به www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC4702851 یا en.wikipedia.org/wiki/List_of_withdrawn_drugs مراجعه نمایید.

و این صحیح است. اما اشکالی به این گزاره و تحلیل وارد است بخشی بودن آن است. به عبارت دیگر وحدت ترکیبی درخت یا آن شیء مورد بحث بررسی نشده است. وقتی میان خود متخصصین اختلاف به وجود می‌آید و ادعا و نظر ده کارشناس و دانشمند متفاوت می‌شود اعتماد خیلی سخت است. شاید بتوان اشکال‌های دیگری نیز به روش تحقیق موجود در حوزه طب وارد نمود ولی همین عدم توجه به وحدت ترکیبی هر شی اشکالی بسیار جدی است. نتیجه این بحث آن است که باید در موضوع سلامت از روش تحقیق دیگری استفاده نمود.

۲،۱،۳ اتکا به گزارش و اشراف خالق از اشیاء و اثبات صدور گزارش از جانب خالق؛ اولین ویژگی روش تحقیق در طب اسلامی

روش تحقیق ما اولاً متکی به حدس دانشمند نیست و متکی به گزارش خالق از شیء است. گزارش خالق ناشی از حدس و گمان نیست بلکه ناشی از اشراف است. وقتی امام علیه‌السلام می‌فرماید الجزر یسخن کلیتین و یقیم الذکر نمی‌توان قائل شد بر اساس اشراف نیست! ثانیاً دارای وحدت ترکیبی است. یعنی نسبت جذر با کلیه و ذکر مرد و اثر آن بر این اعضا را مورد بحث قرار داده است. با همین شکل و روش می‌توان درباره دیگر اشیاء نیز تحقیق کرد. مثلاً کلیه چه فایده‌ای دارد؟ مثلاً امام علیه‌السلام می‌فرماید ضعف و قوت بدن به شحم کلیتین بر می‌گردد.^{۱۰} این در حالی است در روش تحقیق مرسوم گزارش‌هایی از قبیل نسبت بین کلیه و دفع ادرار، نسبت کلیه با مثانه، مقایسه بافت کلیه و قلب و امثال این‌ها تولید می‌شود ولی در نهایت نمی‌توان وحدت ترکیبی کلیه را تشریح کند. کسی جز خالق که اشراف کامل بر مخلوق دارد نمی‌تواند وحدت ترکیبی اشیاء را بیان کند؛ بنابراین هر وقت خواستیم در حوزه طب ورود کنیم فقط به گزارش‌های خالق اتکا می‌کنیم و این گزارش خالق در رساله ذهبیه آمده است و شما باید اثبات کنید این رساله از جانب امام نقل شده است اگر نه مصداق دروغ بستن به اهل البیت علیهم‌السلام است و گناهی کبیره. علم رجال قرائتی را به شما می‌دهد تا اطمینان پیدا کنید این کلام از ناحیه امام علیه‌السلام صادر شده است. مثلاً گفته شده است رساله ذهبیه از اطباء آن زمان صادر شده است.^{۱۱} خب کتب اطباء آن زمان یا هم دوره با آن کتاب الان نیز وجود دارد مثل کتاب ذخیره خوارزمشاهی^{۱۲} است. شما اگر فهرست این کتاب را با کتاب رساله الذهبیه مقایسه کنید تفاوت‌های عمیقی را متوجه خواهید شد.^{۱۳} این مطلب و تفاوت بین فهرست‌ها یک قرینه مهم است. این دست از قرائن را باید به صورت انبوه ایجاد کنیم تا اطمینان به صدور ایجاد شود. البته رساله ذهبیه مسند است.^{۱۴} چرا که به برخی از راویان آن اشکال وارد شده است. این دست از استدلال‌ها برای اثبات صدور این تحلیل از امام علیه‌السلام است و اگر این مطالب بحث نشود نمی‌توان اثبات کرد که این گزارش از خالق است.

۱۰. إِنَّا بِسْطَامٍ فِي طَبِّ الْأَيْمَةِ، عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْقَاسِمِ الْمُتَطَبِّبِ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ الْفَيْضِ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَاءَهُ رَجُلٌ مِنَ الشَّيْبَةِ فَقَالَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ ابْنِي ذَابَتْ وَ نَحَلَ جِسْمَهَا وَ طَالَ سُفْمُهَا وَ بِهَا بَطْنٌ ذَرِيعٌ فَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَا يَمْنَعُكَ مِنْ هَذَا الْأَرَزُّ بِالسَّخْمِ الْفُبَارِكِ إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ الشُّحُومَ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ لِعَظَمِ بَرَكَتِهَا أَنْ تَطْعَمَهَا حَتَّى يَمَسَّحَ اللَّهُ مَا بِهَا لَعَلَّكَ تَتَوَهَّمُ أَنْ تُخَالَفَ لِكَثْرَةِ مَا عَالَجَتْ قَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ كَيْفَ أُنْضَعُ بِهِ قَالَ خُذْ أَحْجَاراً أَرْبَعَةً فَاجْعَلْهَا تَحْتَ النَّارِ وَ اجْعَلِ الْأَرَزُّ فِي الْقِدْرِ وَ أَطْبِخْهُ حَتَّى يَذْرَكَ ثُمَّ خُذْ شَحْمَ كَلْبَيْتَيْنِ طَرِيّاً وَ اجْعَلْهُ فِي قِضَعَةٍ فَإِذَا بَلَغَ الْأَرَزُّ وَ نَضِجَ فَخُذِ الْأَحْجَارَ الْأَرْبَعَةَ فَأَلْقِهَا فِي الْقِضَعَةِ الَّتِي فِيهَا السَّخْمُ وَ كُبِّ عَلَيْهَا قِضَعَةٌ أُخْرَى ثُمَّ حَرِّكْهَا تَحْرِيكاً شَدِيداً وَ لَا تَخْرُجْ بَخَارَهُ فَإِذَا ذَابَ السَّخْمُ فَاجْعَلْهُ فِي الْأَرَزِّ لِتَحْسَأَهُ لَا حَاراً وَ لَا بَارِداً فَإِنَّهَا تُعَافَى بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ الرَّجُلُ الْمُعَالِجُ وَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَا أَكَلْتُهُ إِلَّا مَرَّةً وَاحِدَةً حَتَّى عُوفِيتُ.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ، جلد ۶ ، صفحه ۳۷۷

۱۱. ر.ک به پیوست ۱

۱۲. جهت مطالعه کتاب به آدرس b2n.ir/f37959 مراجعه نمایید.

۱۳. همان

۱۴. همان

از طرفی دیگر برخی قائل‌اند تمام احادیث طبی ضعیف است. پیداست این افراد به لحاظ علمی و خصوصاً علم رجال ضعیف هستند. کسی که رجال خوانده است هر حدیث را دانه به دانه بحث می‌کند نه اینکه به صورت عمومی چندین حدیث را رد یا قبول کنند. نمی‌توان مدعی شد به دلیل اینکه این روایت در کتابی ضعیف نقل شده است سندیت ندارد و از جانب امام صادر نشده است! بخش عمده‌ای از روایات طبی در کتاب کافی^{۱۵}، محاسن و غیره است و همچنین ما در کتب فقهی [مانند مسالک شهید ثانی و بسیاری از کتب فقهی]، کتاب اطعمه و اشربه را داریم.^{۱۶} دوستان برای بنده کتابی را آوردند که وزارت بهداشت چاپ کرده بود و موضوع آن ضعف احادیث طبی است و مثلاً گفته است در سند این روایات محمد ابن سنان آمده است که موثق نیست.^{۱۷} درحالی که خیلی از قرائن دیگر در وثاقت و صراحت حدیث وجود دارد و از تمام این موارد که عبور کنیم ظاهراً آقای بهجت نیز به وثاقت محمد ابن سنان معتقدند. در مجموع نمی‌توان بحث‌های رجالی را با بحث‌های سیاسی ممزوج کرد و معتقد شد احادیث طبی ضعیف‌اند و در نهایت ما طب اسلامی نداریم. حسن ابن محمد جمهور نیز مثل محمد ابن سنان محل بحث است. یکی از اصلی‌ترین ادله‌ای که بر ضعف رساله ذهبیه آورده شده است نقل رساله ذهبیه از حسن ابن محمد جمهور است. در برخی کتب رجالی ایشان را مورد جرح قرار داده‌اند و علت اصلی که برای ضعف ایشان نقل شده است روایت‌های مرسله است که محمد بن جمهور نقل کرده است.^{۱۸} در نهایت معنای ضعف ایشان آن است اگر روایت مرسله از ایشان دیدید آن را نقل نکنید حال آنکه رساله ذهبیه مسند است و از موضوع ضعف خارج است.

۲،۱،۴ انجام پنج نوع کار فکری مانند کشف سؤال و استفاده از تجربه روی گزارش‌های خالق از اشیاء؛ دومین ویژگی روش تحقیق در طب اسلامی
بحث را گم نکنیم، ما در حال بحث از روش تحقیق هستیم و ما برای اینکه ثابت کنیم گزارشی یا تحلیلی از جانب خالق صادر شده است، کشف صدور می‌کنیم و پنج نوع کار فکری روی این گزارش‌ها انجام می‌دهیم. یکی از کارهای فکری‌ای که روی روایت انجام می‌دهیم آن است که سؤال در روایت را کشف می‌کنیم. چرا که لازم است غرض بیان روایت از جانب امام علیه‌السلام را با قرائن لفظی به بحث بگذاریم. حال وقتی با قرائن سؤال را استخراج کردیم یک مرحله در روایت درایه کرده‌ایم. مرحله دیگر برای تحلیل و اثبات وثاقت روایت تجربه است. همه ما چندین سال است که نماز می‌خوانیم و وقتی درباره نماز روایتی را می‌خوانیم قطعاً درکمان از روایت متفاوت از فردی که تازه به سن بلوغ رسیده و شروع به نماز خواندن کرده است؛ بنابراین وقتی انسان مسئله را تجربه می‌کند فهمی عمیق‌تر نسبت به آن پیدا می‌کند تا دیگران.

پس ما در روش تحقیق خود دو بخش داریم. اولاً اثبات صدور یک تحلیل یا گزارش به عبارت دیگر روایت از جانب خالق یا معصومین علیهم‌السلام و ثانیاً انجام پنج مرحله کار فکری مثل استخراج سؤال یا تجربه تحلیل و غیره. خاصیت بحث از روش

۱۵. از مجموع کل روایات موجود در کتاب کافی (اصول، فروع و روضه کافی)، ۲۲۳۳ روایت که بیانگر تاثیر عوامل مادی در حفظ سلامت، درمان و بهداشت محیط زیست است، تحت عنوان (روایات طبی) استخراج گردید.

www.magiran.com/paper/1234028

۱۶. اکثر قریب به اتفاق کتب فقهی - روایی از اطعمه و اشربه سخن گفته‌اند که به عنوان مثال می‌توان به کتاب مسالک الافهام فی تنقیح شرائع الاسلام اشاره کرد.

۱۷. بنابر نظر آیت الله شبیری زنجانی محمد ابن سنان موثق است.

www.eshia.ir/feqh/archive/text/shobeiry/rejal/62/037

۱۸. ایشان را از اصحاب خاص حضرت رضا علیه‌السلام دانسته‌اند ولی به جهت غلو فاسد الحدیث می‌دانند. آیت الله خویی رحمت الله علیه ایشان را از به جهت نقل روایت در کتاب کامل الزیارات توسط ابن قولویه توثیق کرده است.

www.porseman.com/125563

www.islamquest.ir/fa/archive/question/fa40319

تحقیق چیست؟ مهم‌ترین فایده‌ای که متصور است آن است که اگر فردی یا مکتبی روش تحقیق داشته باشد می‌تواند تولید علم کند و وقتی از روش تحقیق بحث خود را شروع می‌کنید در واقع به صورت منضبط تولید علم کرده‌اید و فایده دیگر آن است از طرف مکاتب دیگر که خود بر اساس ظنیات شبه علم تولید می‌کنند متهم نمی‌شود چرا که شما روش تحقیق علمی دارید که مبتنی بر علم امام علیه‌السلام بنا شده است. اگر بخواهیم با شاخص روش تحقیق مقالات و تحلیل‌ها موجود را بررسی کنیم به نظر من تمام مقاله‌های ISI^{۱۹} شبه علم است. این در حالی است که در رسانه کاملاً برعکس جاافتاده است و سؤال می‌شود اصلاً طب اسلامی داریم؟ سؤال از روش تحقیق بسیار مهم است و الا نمی‌توانید از گزاره‌های علمی خود دفاع کنید. باید از روش تحقیق بحث کنید و روش تحقیق خود را با روش‌های تحقیق موجود مقایسه کنید. این از نکته اول.

۲,۲ طبع و مزاج دومین مفهوم پایه در طب اسلامی

نکته دومی که باید به آن پرداخت بحث مزاج در طب اسلامی است و آنچه در روایات بیان شده است طبع یا طبیعت است. چرا ما معتقدیم طبع یا مزاج بحث اساسی در طب است؟ وقتی ما از سلامت بدن بحث می‌کنیم باید بدانیم ماده اصلی ساخت بدن از چهار چیز است. روایت می‌فرماید لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَنَى الْأَجْسَامَ - استظهار بنده بنی است. جسم با تمام کثراتش مشخص است - علی اربع طبایع مرتان - البته در روایات دیگر مرتان را به سودا و صفرا تعبیر کرده است - دم و بلغم. این مفهوم پایه است.^{۲۰} باید تمام طبایع را بشناسیم چرا که تمام اجسام بر این اساس بنا شده است. شما هیچ جسمی را ندارید که متأثر از دم نباشد. یکی از مفهوم‌های ذیل این عبارت نیز این است که تخریب اجسام نیز موقعی رخ می‌دهد که یکی از این چهار طبع دچار نقصان شود. یکی از راه‌های دیگر برای شناخت این طبایع اوصاف آنهاست. مثلاً رنگ یکی از وصف‌های شناخت طبع صفراست. صفرا یعنی زرد. حضرت یکی از راه‌ها برای شناخت طبع را رنگ معرفی می‌کنند. سودا نیز از اسود است یعنی سیاه یا مثلاً دم که همان خون است. توصیف دیگری نیز وجود دارد مثلاً اسم صفرا و سودا را مرتان گذاشته‌اند. مره یعنی تلخی. مهم‌ترین وصفی که برای طبایع ذکر شده است وصف سردی - گرمی و خشکی - تری است. روایت می‌فرماید بالجمله حاران و باردان یعنی به صورت اجمالی دو تا از این طبایع گرم هستند و دو تا سرد هستند. حضرت به صورت تدریجی از طبیعت درک ایجاد می‌کند. گاهی این ایجادکردن با رنگ است گاهی با مزه است گاهی با سردی است گاهی با تری است و الی آخر. اگر این اوصاف را به صورت تفصیلی بیان نکنید مرعوب طب سلولی خواهید شد چرا که طب سلولی به صورت مفصل از سلول وصف تولید کرده است. در ادامه روایت می‌فرماید قَدْ خُوِّلَفَ بَيْنَهُمَا. اینجا سؤالی ایجاد می‌شود و آن هم این است که این قد به معنای تحقیقاً است یا به معنای گاهی؟ باید استدلال آورده شود. در ادامه می‌فرماید یکی از آن دو گرم خشک است یعنی صفرا و دیگری لین است یعنی دم و یکی از آن دو سرد و تراست یعنی بلغم و دیگری خشک است یعنی سودا. سؤالی دیگر مطرح است و آن هم این است که چرا امام علیه‌السلام تری بودن را با دو لفظ به کار برده است؟ یکبار فرموده است لین و

۱۹. مؤسسه اطلاعات علمی یا (ISI) (به انگلیسی: Institute for Scientific Information) مؤسسه‌ای با تمرکز بر علم‌سنجی و انتشارات علمی است که در سال ۱۹۵۶ توسط یوجین گارفیلد تأسیس شد. این مؤسسه توسط مؤسسه علمی تامسون در سال ۱۹۹۲ خریداری و به‌عنوان Thomson ISI شناخته شد و اکنون نیز با نام Thomson Scientific شناخته می‌شود. مؤسسه اطلاعات علمی بخشی از شرکت Thomson Reuters است.

۲۰. قال علیه السلام: ... وَاعْلَمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّ قُوَى النَّفْسِ تَابِعَةٌ لِمَرَاجِبِ الْأَبْدَانِ وَ مَرَاجِبِ الْأَبْدَانِ تَابِعَةٌ لِتَضَرُّفِ الْهَوَاءِ فَإِذَا بَرَدَ مَرَّةً وَ سَخُنَ أُخْرَى تَغَيَّرَتْ بِسَبَبِهِ الْأَبْدَانُ وَ الصُّورُ فَإِذَا اسْتَوَى الْهَوَاءُ وَ اعْتَدَلَ صَارَ الْجِسْمُ مُعْتَدِلًا لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَنَى الْأَجْسَامَ عَلَى أَرْبَعِ طَبَائِعٍ عَلَى الدَّمِ وَ الْبَلْغَمِ وَ الصَّفْرَاءِ وَ السُّودَاءِ فَاتَّحَانَ حَارًّا وَ اتَّحَانَ بَارِدًا وَ خُوِّلَفَ بَيْنَهُمَا فَجَعَلَ حَارًّا تَابِيسَ وَ حَارًّا لَيْسَ وَ بَارِدًا تَابِيسَ وَ بَارِدًا لَيْسَ

طب الإمام الرضا عليه السلام (الرسالة الذهبية)، النص، ص ۴۷

زیرا خداوند متعال اجسام را بر چهار طبیعت بنا کرده است و آنها عبارتند از صفرا و سودا و خون و بلغم. دوتای آنها گرم و دوتای دیگر سرد است و میان هر دوتای آنها از لحاظ دیگر نیز اختلاف است یعنی یکی از دو طبیعت گرم‌تر است و دیگری خشک و یکی از دو طبیعت سردتر است و دیگری خشک.

(امیر صادقی، ترجمه رساله الذهبیه، ص ۱۹۳)

یکبار فرموده است رطب؟ این بحث بسیار مهم است. باید بحث کنیم که در اصل خاصیت این سردی و تری یا خشکی و گرمی به شکلی است که روی همه چیز اثر دارد. به اصطلاح ابر متغیر است و روی تمام بخش‌ها اجسام اثر می‌گذارد و شما باید این را جا بیندازید. معنای این موضوع چیست؟ اینکه سردی یا گرمی یا تری و خشکی ابر متغیر است چه معنایی می‌دهد؟ قدر متیقن آن است که اهل‌البیت ما را به مراقبت از ابر متغیرها در بدن توصیه کرده‌اند. درست است که جسم دارای پیچیدگی‌های بسیار زیادی است لکن همه بخش‌های جسم تأثیری بنیادین از این اوصاف چهارگانه می‌گیرند. می‌بینید که چقدر این طب آسان است در مقابل طب سلولی ما را به اختلاف بین سلول‌ها و مشکلات درون سلولی می‌برد و در نهایت تحلیلشان هم از سلول بر اساس ظنیات است و ما را به سمت آن می‌برد که میلیون‌ها سلول را بررسی کنیم و چون میلیون‌ها سلول در بدن موجودات وجود دارد تحلیل بسیار پیچیده خواهد شد. بنده در بیانات دیگر عرض کرده‌ام و در برخی از کتب خوانده‌اید که در سلول نظام ژنوم وجود دارد و این نظام ژنوم دارای بیست هزار ژن است که سلول را کد می‌کنند این ژن‌ها با RNAها متفاوت‌اند و این ژن‌ها DNAها هستند و این یعنی اولی بدبختی ما. هرکدام از ژن‌ها چه ویژگی را بیان می‌کنند و روی کدام بخش تأثیر دارند؟ مگر بشر می‌تواند تمام این‌ها را شناسایی کند و بعد از آن تأثیر هرکدام را روی ژن‌های دیگر و تأثیر ژن‌ها را روی سلول‌ها و الی آخر بررسی کند؟! یکی از سؤالات مهم از طب سلولی و ژنتیک آن است نمی‌دانند ژن‌ها چه چیز را بیان می‌کنند؟ در گذشته که سلول‌ها را بررسی می‌کردند به ژن‌هایی که بیان‌کننده ویژگی نبودند ژن‌های آشغال می‌گفتند^{۲۱} چرا که نمی‌دانستند RNAها چه کار می‌کنند و بعداً متوجه شدند آران‌ای‌ها زمینه‌گذارندگی دی‌ان‌ای‌ها را فراهم می‌کنند^{۲۲} و حال که در حال بررسی ژنوم‌ها بودند باید بگویند بیست هزار ژن چگونه بیان می‌کنند و تأثیر می‌گذارند و در اینجاست که نیاز به ابرکامپیوترهاست و در نهایت نمی‌توانند به پیچیدگی‌های بدن انسان اشراف پیدا کنند چرا که بدن انسان خلق ساده و بسیطی نیست. اما آنچه طب اسلامی می‌گوید بسیار فنی است؛ تمام آن پیچیدگی‌ها و پیشرفته بودن‌ها متأثر از سردی و گرمی و خشکی و تری است چرا که این چهار عامل ابر متغیر است. حال اگر کسی به این ابر متغیرها مسلط شد می‌تواند بحث کند که رابطه ایمنی بدن و طبایع چهارگانه چگونه است؟ این بدان معناست که سرنوشت ایمولوژی تغییر می‌کند. رشته‌های ایمولوژی درباره ایمنی بدن صحبت می‌کنند و بر اساس سلول چندین نوع ایمنی برای بدن تعریف می‌کند. اقایان به ما اشکال می‌کنند که چرا پروتکل‌های فقهی طراحی کرده‌اید؟ در پاسخ باید عرض کنیم همان‌طور که شما در شناخت بدن و ایمنی بنا بر روش تحقیق خود متخصص هستید ما نیز بنا بر مبانی خود در ایمنی بدن متخصص هستیم. ما رابطه ایمنی و طبع را می‌دانیم و به لحاظ منطقی مجاز به طراحی پروتکل هستیم و تحلیل دوستان ایمولوژیست از ایمنی را غلط می‌دانیم. رشته بعدی دارو و طبایع اربعه است که در طب سلولی به فارماکولوژی اسم‌گذاری شده است. ما نیاز به داروهایی داریم که بتواند اختلال‌های به وجود آمده در طبایع را مرتفع کند و طبایع اضافی را کاهش دهد یا طبایع لازم و فاقد را تولید کند. پس ما می‌توانیم رشته فارماکولوژی هم داشته باشیم. چرا که نظام معنایی ما طبع است مبتنی بر طبیعت است روش تحقیقمان متفاوت است مفهوم اصلی ما نیز طبع است. در طب سلولی نیز سلول مفهوم اصلی و مرکزی است و برای شناخت آن نیاز به آزمایشگاه و

۲۱. مقدار دی‌ان‌ای بی‌رمز در میان گونه‌های مختلف بسیار متفاوت است. معمولاً درصد کمی از ژنوم مسئول کد کردن پروتئین‌هاست و درصد زیادی از آن‌ها وظایف تنظیم‌کنندگی دارند. همان‌گونه که در دهه‌ی ۱۹۶۰ پیش‌بینی شده بود وقتی دی‌ان‌ای بی‌رمز بسیاری وجود دارد، به نظر می‌رسد بخش بزرگی از آن هیچ عملکرد بیولوژیکی‌ای ندارد. از آن زمان، به این بخش غیرفعال "دی‌ان‌ای آشغال" می‌گویند که این نام‌گذاری بسیار بحث‌برانگیز است.

www.britannica.com/topic/ENCODE#ref1185700

www.science.org/lookup/doi/10.1126/science.337.6099.1159

۲۲. یکی از تأثیرات RNAها در سرطان است. جهت مشاهده برخی مقالات می‌توانید به آدرس زیر مراجعه کنید.

<http://labdiagnosis.ir/article-1-364-fa.pdf>

تشخیص‌های سلولی است. مثلاً باید بررسی شود سلول از چه مواردی تغذیه می‌کند یا چه موادی در سوخت‌وساز سلول اثر دارد یا چه مواردی ایمنی سلول را ارتقا می‌دهد؟ با این تفصیل به جهت اینکه مفهوم بنیادین ما طبع است تحلیل‌هایمان متفاوت است و طب سلولی به جهت اینکه مفهوم بنیادینش سلول است تحلیل‌ها و نظام تشخیصی طب سلولی با ما متفاوت است. پس به ما نگوید که چرا شما آزمایشگاه یا ایمولوژی رایج یا آنچه ما داریم را ندارید؟ طبیعی است که نداشته باشیم و نمی‌خواهیم هم داشته باشیم چرا که مفهوم مرکزی ما طبع است و ما طبیعت را بررسی می‌کنیم.

۲,۲,۱ تبیین نسبت میان مفاهیمی مانند حیات، پیشگیری با طبع؛ نتیجه بحث از طبع به عنوان مفهوم پایه در طب اسلامی

سرفصل دیگری که باید بحث کنیم پیشگیری و مزاج است. حال ما می‌خواهیم پیشگیری از بیماری ایجاد کنیم و این به آن معناست که باید از اختلال در طبایع جلوگیری کنیم یعنی باید جلوی عوامل ایجادکننده اختلال در طبع را بگیریم.

سرفصل دیگر حیات و طبایع است. در طب سلولی حیات با اتوپوز بررسی می‌شود یعنی خود تکثیرشوندگی سلول. حال با طبایع حیات را چگونه تحلیل کنیم؟ ببینید همان معنا و روش تحقیق است که به این مباحث سرایت می‌کند و دیگر لازم نیست حیات را به شکل مرسوم تحلیل کنیم بلکه ما حیات را به شکل دیگری توصیف می‌کنیم. ببینید آقا! این معنای طبیعت معنایی مادر است و باید تثبیت شود.

برخی از دوستان در طب اسلامی این مفهوم مادر را متوجه نیستند و مثلاً وقتی می‌خواهند مواد غذایی مثل شنبلیله را توصیف کنند و خواص آن را بیان کنند از ویتامین استفاده می‌کنند یعنی توصیف و تحلیل این ماده غذایی از مفاهیم طب سلولی استفاده می‌کنند. آیا این کار درست است؟ اگر معادله بیوشیمی از شنبلیله ارائه کنید کار صحیح و علمی انجام داده‌اید؟ به نظر بنده علت این عدم توجه نپرداختن به مفهوم طبع است. اگر طبع را درست بشکافیم و وقتی روی این مباحث به صورت عمیق مباحثه صورت نگیرد ابر متغیر بودن این عوامل ثبت نخواهد شد. ما در جدول تسخیر^{۲۳} اشیاء پایه را تبیین کرده‌ایم. رابطه میان سرد، گرمی، تری و خشکی به رابطه با اشیاء اربعه که عالم بر اساس آن خلق شده است بر می‌گردد و باید این رابطه تبیین شود. اشیاء اربعه عبارت‌اند از آب، خاک، آتش و باد و ریشه این اوصاف به اشیاء اربعه بر می‌گردد. به عقیده بنده کتاب اول طب اسلامی، بعد از روش تحقیق بحث تفصیلی درباره طبع است. کافی است این مفهوم جا بیفتد و آن وقت است که فارماکولوژی جدید، ایمولوژی جدید و پاتولوژی جدید و غیره تولید خواهد شد. اگر ان‌شاء‌الله آن چهل جلسه برگزار شد لااقل ده جلسه‌اش را به طبیعت اختصاص می‌دهیم و دقیقاً آن را تعریف می‌کنیم.

۳. روش اجرای پیشگیری ساختاری از بیماری در طب اسلامی

سؤال سوم درباره بازتعریف مفهوم پیشگیری از بیماری است. حال که نظام معنایی داریم مفهوم پیشگیری از بیماری را می‌توانیم بحث کنیم.

۳,۱ قلب عامل ایجاد تعادل در طبایع و بالتبع ایجادکننده ایمنی در بدن

قبل از بحث درباره پیشگیری عرض بکنم که طبیعت با تمام عمومیتش متأثر از تصمیم‌هایی است که در قلب انسان رخ می‌دهد چرا که امیرُ البدن است.^{۲۴} مثلاً فرض بفرمایید سودا بر کسی غلبه کرده است و ما نیز با توجه به تشخیصی که داریم متوجه

۲۴. مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ التُّعْمَانِيُّ فِي تَفْسِيرِهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُقْدَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يُوسُفَ بْنِ يَحْيَى بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ بِنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ ع فِي خَبَرِ طَوِيلٍ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع أَنَّهُ قَالَ: فَإِلَيْمَانٍ بِاللَّهِ تَعَالَى هُوَ أَعْلَى الْإِيمَانِ دَرَجَةً وَ

می‌شویم این فرد مبتلا به عصبانیت است و همین باعث شده است سودا بر او غلبه پیدا کند و تند خو شده است. خب ریشه این عصبانیت در کجاست؟ قلب انسان دچار اختلال شده است که عصبانیت ایجاد شده است. مثلاً اگر معده کسی دچار مشکل است و ما متوجه می‌شویم دچار پرخوری است و شهوت اکل و شرب دارد. فیلمی را می‌دیدم برخی از افراد ثروتمند فرانسه تا خود حلق می‌خوردند و در دستشویی با تحریک گلولی خود غی می‌کردند و دوباره می‌خوردند. برخی از خوردن این‌طور لذت می‌برند. چرا این افراد دچار این مرض شده‌اند؟ قلب این فرد دچار مشکل شده است و شهوت اکل و شرب دارد یا مثلاً آب زیاد می‌خورد و وقتی شما به چربی می‌رسید باید در قلب پاسخش را بدهید. وقتی قلب دچار مشکل می‌شود تمام بدن دچار مشکل می‌شود و در یک جمله قلبی که دچار مشکل شده است خیلی از بدن انرژی می‌گیرد و به‌صورت نامتعادل از بدن کار می‌کشد و اگر قلبی صحیح بود از بدن متعادل کار می‌کشد.

۳،۲ ایجاد سلامت در قلب راهکار ایجاد سلامت و ایمنی در بدن

خب باید قلب را تصحیح کرد. امام باقر علیه‌السلام فرمودند لَا عِلْمَ كَطَلَبِ السَّلَامَةِ وَلَا سَلَامَةَ كَسَلَامَةِ الْقَلْبِ^{۲۵} دقت می‌کنید. بحث بنده این نیست که اگر فردی مثلاً فلان ماده غذایی را بخورد صفرایش غلبه پیدا می‌کند. بحث بنده این است که چرا این فرد میل به خوردن گرمی‌ها دارد که موجب می‌شود صفرایش بیش از نیاز در بدن تولید شود؟ چه عضوی به او این دستور را داده است؟ اگر کسی می‌خواهد سلامت خود را تأمین کند باید سلامت قلب را تضمین کند. حال سؤال ایجاد می‌شود سلامت قلب چگونه ایجاد می‌شود؟

۳،۳ هدایت و ضلالت عامل سلامت یا بیماری قلب

بنا بر روایات سلامت قلب به هدایت قلب است. قلبی هدایت یافته است ولی برخی از قلب‌ها گمراه است. اگر قلب کسی هدایت پیدا کرد به بدن دستورها متعادل می‌دهد اما اگر قلب کسی هدایت نیافت مبتنی بر وسوسه با بدن خود رفتار می‌کند و این دستور قلب اوست. سال ۹۳ در بیست و سه جلسه رابطه میان قلب و هدایت را بحث کرده‌ام. به‌صورت مفصل در آیات و روایات به آن پرداخته شده است. اینکه گفته می‌شود قلب منیب می‌شود^{۲۶} یا ران می‌شود^{۲۷} همه این موارد دلالت بر عدم هدایت قلب می‌شود. البته در کتاب مبانی نظری توضیح داده‌ام. خب حالا سؤال این است این قلب چیست؟ مثلاً در روایت دارد که جای قلب همین جای صنوبری است چرا که در روایت می‌فرماید هی بضعه قلب یک‌تکه گوشت است. اما در همین جا عقل

أَشْرَفَهَا مَنَزِلَةً وَأَسْنَاهَا حَظًّا فَيَقِيلُ لَهُ عَ الْإِيمَانَ قَوْلٌ وَ عَمَلٌ أَمْ قَوْلٌ بِلَا عَمَلٍ فَقَالَ الْإِيمَانُ تُصَدِّقُ بِالْجَنَانِ وَ إِفْرَازٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ وَ هُوَ عَمَلٌ كُلُّهُ وَ مِنْهُ التَّامُّ الْكَامِلُ تَمَامُهُ وَ النَّاقِضُ الْبَيْنُ نُقْصَانُهُ وَ مِنْهُ الزَّائِدُ الْبَيْنُ زِيَادَتُهُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى مَا فَرَضَ الْإِيمَانَ عَلَى جَارِحَةٍ وَاحِدَةٍ وَ مَا مِنْ جَارِحَةٍ مِنْ جَوَارِحِ الْإِنْسَانِ إِلَّا وَ قَدْ وَكَلْتُ بِغَيْرِ مَا وَكَلْتُ بِهِ الْأُخْرَى فَمِنْهَا قَلْبُهُ الَّذِي يُعْقَلُ بِهِ وَ يَفْقَهُ وَ يَفْهَمُ وَ يَجِلُّ وَ يَعْقِدُ وَ يُرِيدُ وَ هُوَ أَمِيرُ الْبَدَنِ وَ إِمَامُ الْجَسَدِ ...

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۱، ص: ۱۴۳

۲۵. لِلرَّحْمَةِ وَ عَفْوِ اللَّهِ بِحُسْنِ الْمُرَاجَعَةِ وَ اسْتِعْوَى عَلَى حُسْنِ الْمُرَاجَعَةِ بِخَالِصِ الدَّعَاءِ وَ الْمُنَاجَاةِ فِي الظُّلَمِ وَ تَخَلَّصَ إِلَى عَظِيمِ الشُّكْرِ بِاسْتِكْتَارِ قَلِيلِ الرِّزْقِ وَ اسْتِغْلَالِ كَثِيرِ الطَّاعَةِ وَ اسْتِجْلَابِ زِيَادَةِ النِّعَمِ بِعَظِيمِ الشُّكْرِ وَ التَّوَسُّلِ إِلَى عَظِيمِ الشُّكْرِ بِخَوْفِ زَوَالِ النِّعَمِ وَ اِطْلَبَ بِنَاءَ الْعَزِّ بِأَمَانَةِ الطَّمَعِ وَ اذْفَعُ ذُلَّ الطَّمَعِ بِعِزِّ النَّيَّاسِ وَ اسْتَجْلَبَ عِزَّ النَّيَّاسِ بِعِزِّ الْهَيْمَةِ وَ تَرَوَّدَ مِنَ الدُّنْيَا بِقَصْرِ الْأَمَلِ وَ بَادَرَ بِانْتِهَازِ الْبُغْيَةِ عِنْدَ إِمْكَانِ الْفُرْصَةِ وَ لَا إِمْكَانَ كَالْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ مَعَ صِحَّةِ الْأَبْدَانِ وَ إِتْيَاكَ وَ الثَّقَّةَ بِغَيْرِ الْمَأْمُونِ فَإِنَّ لِلشَّرِّ ضَرَاوَةً كَضَرَاوَةِ الْعِذَاءِ. وَ اعْلَمْ أَنَّهُ لَا عِلْمَ كَطَلَبِ السَّلَامَةِ وَ لَا سَلَامَةَ كَسَلَامَةِ الْقَلْبِ وَ ...

تحف العقول، النص ۲۸۶، وصيته ع لجابر بن يزيد الجعفي، ص ۲۸۴

۲۶. مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَ جَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ (آیه ۳۳ سوره ق)

همان کسی که در نهان از [خدای] رحمان می‌ترسید و دلی رجوع کننده [به سوی خدا] آورده است؛ (انصاریان)

۲۷. كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (آیه ۱۴ سوره مطففین)

این چنین نیست که می‌گویند، بلکه گناهی که همواره مرتکب شده‌اند بر دل هایشان چرک و زنگار بسته است [که حقایق را افسانه می‌پندارند]. (انصاریان)

نیز وجود دارد. ^{۲۸} خلاصه قلب شی ای عجیب است. برخی فکر می کنند قلب همان روح است. حال آنکه قلب، قلب است. خدای متعال در قرآن کریم درباره روح می فرماید *وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلٌ* ^{۲۹} به هر حال قلب امیر البدن است. حال اگر کسی می خواهد پیشگیری از بیماری داشته باشد باید طبیعت خود را کنترل کند و اگر کسی می خواهد طبیعت خود را کنترل کند باید قلب خود را مدیریت کند و عامل مؤثر مدیریت و کنترل قلب هدایت است.

۳،۴ زیر ساخت های ۹ گانه هدایت؛ عامل ایجاد سلامت در قلب

حال از نظر ما هدایت زایده ۹ زیرساخت است. اگر کسی مواظبت بر ۹ امر داشته باشد قلبش هدایت پیدا می کند؛ بنابراین ۹ مسئله زیرساخت هدایت می شوند. بنده این ۹ زیرساخت هدایت را تبیین کنم.

امامت و هدایت اولین زیرساخت است. هدایت بدون انتخاب صحیح امام نمی شود؛ بنابراین سیری که عرض کردم می توانید بفرمایید امامت و سلامت.

علم و هدایت دومین زیرساخت است. اگر کسی دچار معادلات و تحلیل های غلط شد و دچار علمی پوزیتیستی شد، قلبش دچار ضلالت می شود؛ بنابراین بالتبع می توانید علم و سلامت را بحث کنید. مثلاً بسیاری از مردم که تصمیم های غلط درباره سلامت می گیرند به علت اتکا به علم و اطلاعات غلط است. مثلاً بالتبع طب سلولی فکر می کنند اگر آب بیشتر بخورید سالم تر هستید. ^{۳۰} اطلاعات غلط است که بیماری ایجاد می کند. حال آنکه اطلاعات درست درباره آب آن است که کم خوردن آب موجب سلامت می شود. ^{۳۱}

ترکیه و هدایت و بالتبع آن ترکیه و سلامت سومین زیرساخت است. چرا که موضوع ترکیه ابتدا پاک سازی قلب از اوصاف رذیله است. آن وقت است که اگر قلب ترکیه شد تحت تأثیر حسد، کبر و غرور و غیره قرار نمی گیرد.

مکاسب و هدایت و بالتبع مکاسب و سلامت چهارمین زیرساخت است. چرا که کسب بر هدایت افراد اثر دارد.

شاخصه های ارزیابی و هدایت پنجمین زیرساخت هدایت است. اگر کسی هدایت یافت فرقان پیدا می کند. فرقان یعنی می تواند بین حق و باطل فرق بگذارد و شاخصه های ارزیابی او صحیح می شود. پی می توانید رابطه میان سلامت و فرقان را بحث کنید.

۲۸. به پاورقی ۲۳ رجوع شود.

۲۹. *وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلٌ* (آیه ۸۵ سوره اسراء)

و از تو درباره روح می پرسند، بگو: روح از امر پروردگار من است، و از دانش و علم جز اندکی به شما نداده اند (انصاریان)

۳۰. مصرف بیش از ۸ لیوان آب آشامیدنی سالم و سایر مایعات طبیعی و آب سبزی ها و صیفی ها مانند آب هویج، گوجه فرنگی و کرفس که سبب دریافت بیشتر مایعات، کالری و تا حدودی فیبر غذایی می شود در فاصله افطار تا سحر ضمن حفظ ایمنی در شرایط کنونی برای پیشگیری و کنترل بیماری کووید-۱۹، بدن را از کم آبی در طول روزه داری حفظ می کند.

/اخبار/نوشیدن-بیش-از-۸-لیوان-آب-فراموش-نشود-behdasht.gov.ir

برای برخی، کمتر از ۸ لیوان آب هم کفایت می کند. اما بقیه افراد شاید به مقادیر بیشتر هم نیاز پیدا کنند.

۳۱. *عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حُسَيْنَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّا كُنَّا مِنْ شُرُوبِ الْمَاءِ فَإِنَّهُ مَادَّةٌ لِكُلِّ دَاءٍ قَالَ وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ لَوْ أَلَّ النَّاسُ أَقْلُوا مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ لَأَسْتَقَامَتْ أَبْدَانُهُمْ.*

برحذر باشید از زیاد نوشیدن آب چرا که آب ماده همه بیماری هاست.

نفی سبیل و هدایت ششمین زیرساخت هدایت است. شما می‌توانید بحث کنید اگر دشمنی بر ملتی تسلط پیدا کرد سلامت چه تغییراتی می‌کند. مثلاً صهیونیست‌ها از طریق سازمان بهداشت جهانی به کشور ما نفوذ کرده‌اند. هر چه نفوذ و تسلط دشمن کمتر سلامت نیز بیشتر. ما در دوره‌های قبل نیز به سازمان بهداشت جهانی توجه کردیم و الان دچار کاهش جمعیت هستیم و موضوع تراریخته‌ها نیز موضوع دیگری درباره نفوذ در بحث سلامت از طرف سازمان بهداشت جهانی بود. مصداق دیگر خون‌های آلوده است.^{۳۲} مصداق دیگر واکسن‌های فایزر و مدرناست که آقایان غوغا کردند که چرا رهبری از ورود این واکسن‌ها نهی کرده‌اند.^{۳۳} بعد که خبر از ژاپن آمد که واکسن‌ها آلوده بوده‌اند و این خیلی مهم است. بنده دوست دارم آقای عین الهی توجه کند. زیرساخت سلامت کشور به نفی سبیل و عدم نفوذ وابسته است.

بیان و هدایت و بالتبع بیان و سلامت هفتمین زیرساخت هدایت است. نحوه بیان انسان‌ها در سلامت انسان‌ها بسیار اهمیت دارد. ان‌شاءالله در آینده درباره نحوه تکلم سخن خواهیم گفت. شما می‌توانید به صورت صحبت کنید که فرد مقابل شما بی حال و بی‌رمق شود و درعین حال می‌توان به صورت صحبت کرد گرم شود یا به اصطلاح امروزی‌ها انرژی به مخاطب بدهد. بالاخره نحوه تکلم روی افراد تأثیر دارد. پس خیلی مهم است که رابطه میان بیان و سلامت را بحث کنیم.

نظم و هدایت و بالتبع نظم و سلامت هشتمین زیرساخت هدایت است. نظم اجتماعی در سلامت افراد تأثیر دارد. مثلاً اگر بین خانه و محل کار فردی چهل کیلومتر فاصله باشد و ساعت کار او نیز هشت ساعت به صورت معمول باشد معنایش چیست؟ یعنی هشت ساعت در محل کار، دو ساعت در راه رسیدن به محل کار و دو ساعت در راه برگشت از محل کار خود است و در مجموع دوازده ساعت برای شغل خود زمان می‌گذارد. خوب این فرد سلامتش به چالش کشیده می‌شود.

در نهایت عبرت و هدایت یا عبرت و سلامت.

پس بنده پیشگیری را معنا و تبیین کردم. گاهی شما برای پیشگیری به افراد توصیه می‌کنید مثلاً می‌گویید روغن، نان، نمک یا امثال آن را طیب کن یا مثلاً سته ضروریه را رعایت کن و گاهی هم بنا بر پیشگیری ساختاری توصیه می‌کند و به گونه‌ای عمل می‌کند که زمینه هدایت قلب فراهم گردد. خوب به نظر ما این ۹ زیرساخت، زیرساخت پیشگیری خواهد شد. ما باید به صورت مفصل برای مردم از رابطه میان بیان و سلامت صحبت کنیم تا اصطلاحاً از طریق تکلم و بیان اختلال در طبع ایجاد نشود. گاهی وقت‌ها که پدر و مادرها می‌خواهند فرزند خود را تربیت کنند او را با زبان و بیان خود می‌ترسانند. درحالی که ترس قلب را ضعیف می‌کند.^{۳۴} نباید تربیت به صورت ترساندن فرد باشد. برخی خیلی ضایع می‌ترسانند مثلاً می‌گویند به حاج آقا میگم دعویات کند. یا مثلاً برخی از پدر و مادرها فرزند خود را طماع می‌کنند و به طور دائم برای او هدیه می‌خرند. یعنی اگر با مدل

۳۲. استاد ویروس شناسی دانشگاه علوم پزشکی تهران با اشاره به تاریخچه تلخ خونهای آلوده فرانسوی گفت: افرادی که فکر می‌کنند ورود واکسن کرونا از آمریکا و انگلیس ضرر ندارد را به مناظره دعوت می‌کنم.

[/بازخوانی-ماجرای-واردات-خون-های-آلوده-از-فرانسه-5119466](http://www.mehrnews.com/news/5119466)

۳۳. جزئیات استراتژی کرونایی ضدانقلاب برای تخریب رهبر انقلاب

[/جزئیات-استراتژی-کرونایی-ضدانقلاب-برای-تخریب-رهبر-انقلاب-14000525000059](http://www.farsnews.ir/news/14000525000059)

۳۴. أَكَلُ السَّجْجَلِ قُوَّةٌ لِلْقَلْبِ الضَّعِيفِ وَ هُوَ يُطَيَّبُ الْمَعِدَّةَ وَ يَدَكِّي الْفُوَادَ وَ يَشْجَعُ الْجَبَانَ وَ يُحَسِّنُ الْوَلَدَ خورند به، قلب ضعیف را قوی، معده را پاک، ترسو را شجاع و فرزند را زیبا می‌کند.

تربیتی طمع را در فرزندی افزایش دهیم در آینده قلب این کودک او را به سمت تجاوز به حقوق دیگران می‌کشاند و به حق خود راضی نمی‌شود. پس ما جامع‌تر از فهرست‌های فعلی، برای ایجاد پیشگیری بحث کرده‌ایم. امیدوارم که بتوانم در آینده بیشتر توضیح دهم. ولی یادتان باشد ساختار پیشگیری همان ساختار هدایت است. چرا که پیشگیری از هدایت قلب شروع می‌شود و هدایت قلب نیز به ۹ زیرساخت است.

۴. بازتعریف نسخه و نسخه‌نویسی در طب اسلامی

سرفصل چهارم درباره بازتعریف مفهوم نسخه است. باتوجه به این مواردی که عرض کردم باید سه گونه نسخه بنویسیم.

۴,۱ نسخه‌های درمانی اولین نوع نسخه در طب اسلامی؛ برای معالجه فرد

گاهی افراد در حال حاضر دچار اختلال در طبع شده‌اند. نسخه‌های رایج به این شکل است یا داروهایی می‌دهید که پاک‌سازی اختلاط انجام دهد. این یک نوع نسخه‌نویسی است.

۴,۲ نسخه‌های مشاوره دومین نوع نسخه در طب اسلامی؛ برای معالجه جامعه

نوع دیگر نسخه‌نویسی، نسخه مشاوره است. یعنی طبیبی که کنار حاکم و مسئول جامعه قرار می‌گیرد. یعنی ما معتقدیم در بیت رهبری طبیبی قرار بگیرد که بتواند ساختار پیشگیری را به رهبر معظم انقلاب اسلامی پیشنهاد دهد چرا که اصل طب اسلامی پیشگیری از بیماری است. مثلاً می‌گوید کتاب‌های ادبیات در مدارس ما باید تغییر پیدا کند چرا که بیان زیرساخت سلامت است. یا مثلاً به شهرداری قم مشاوره می‌دهد و می‌گوید در قم درخت‌های مثمر نشانید نه کاج تا آرامش در شهر ایجاد شود. این نسخه برای یک فرد نیست بلکه برای جامعه است. ما باید نسخه‌هایی برای مدیران جامعه بنویسیم.

۴,۳ نسخه‌های موازنه سومین نوع از نسخه در طب اسلامی؛ جهت مقابله با نسخه غلط رایج در جامعه

ما باید نسخه موازنه نیز بنویسیم. این به این معناست که در جامعه نسخه غلطی رواج یافته است و ما باید نسخه صحیح را منتشر کنیم تا جلوی نسخه غلط گرفته شود. مثلاً راوی می‌گوید امام علیه‌السلام می‌فرماید پرتقال را چه موقع می‌خورید؟ طبیب‌هایتان درباره این موضوع چه می‌گویند؟ راوی می‌گوید به امام علیه‌السلام عرض کردم می‌گویند قبل از غذا بخورید. امام علیه‌السلام می‌گویند ما می‌گوییم بعد از غذا بخورید.^{۳۵} باید برای بدعت‌های شیوع یافته فکری کرد. ما از حضرت ولی‌عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف عذرخواهی می‌کنیم. ما دیر اقدام کردیم و پروتکل‌های سازمان بهداشت جهانی گسترده شد و ما باید زودتر از این پروتکل‌های فقهی کرونا را منتشر می‌کردیم. همه‌جا را پرکرده‌اند که فاصله اجتماعی، ماسک، الکل و غیره و حالا هم که واکسن را آورده‌اند خودشان می‌گویند که واکسن باید طی چند ماه مجدد دریافت شود و باید ماسک و دیگر پروتکل‌ها را بعد از زدن واکسن رعایت کنید.^{۳۶} با این مدل بشر باید تا ابد همین‌طور واکسن بزند. فردا هم می‌گویند سویه‌ای جدید آمده است که واکسن گریز است و دوباره باید واکسن بزنید. خب برادر! اگر کسی فکر کند برایش سؤال می‌شود که شاید

۳۵. عَنْهُ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: أَيُّ شَيْءٍ يَأْمُرُكُمْ أَطْبَاؤُكُمْ مِنَ الْأَنْجِيحِ قُلْتُ يَأْمُرُونَنِي بِه قَبْلَ الطَّعَامِ قَالَ لَكِنِّي أَمُرُّكُمْ بِه بَعْدَ الطَّعَامِ.

امام رضا علیه‌السلام سوال کردند اطباء شما درباره پرتقال به چه امر می‌کنند؟ به ایشان عرض کردم به خوردن پرتقال قبل از طعام امر می‌کنند. ایشان فرمودند ما به خوردن پرتقال بعد از طعام امر می‌کنیم.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۵۵

۳۶. اخیراً شواهد نشان داده است که با تزریق واکسن کووید-۱۹ به افراد، انتقال بیماری متوقف می‌شود. واکسیناسیون به طور قابل توجهی خطر ابتلا به بیماری را کاهش می‌دهد، اما به منزله پایان اقدامات بهداشت عمومی نیست. راجع به ایمنی افراد پس از تزریق واکسن اطلاعات بیشتری نیاز است. حتی پس از واکسیناسیون، همچنان باید برخی پروتکل‌های بهداشتی رعایت شود تا شرایط به حالت عادی بازگردد.

پای پول در میان است. رسانه که دارند کارخانه واکسن‌سازی هم که وجود دارد و برای بیل گیتس است؛ لذا وقتی کسی این تناقض‌ها را می‌بیند اولین تکلیف صدور نسخه جایگزین است که الان به فضل خدای متعال بیست و چهار پروتکل را تدوین کرده‌ایم در مقایسه با پروتکل‌های سازمان بهداشت جهانی. یا مثلاً برای دیابت، هیپاتیت، سوء تغذیه برای مادران و کودکان نیز نیاز به نسخه موازنه داریم چرا که در حال حاضر دچار به نسخه‌های غلط هستیم.

خب عرایض بنده تمام شد.

بیان جمع‌بندی از محورهای سخنرانی

بنده چهار مطلب را خدمت شما عرض کردم.

ابتدا گزارشی از سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ در بخش سلامت ارائه کردم تا شما با اولویت‌ها و توصیه‌های سازمان بهداشت جهانی آشنا شوید.

در بخش دوم نظام معنایی طب اسلامی را بحث کردم. همان‌طور که گفته شد ما در دو مفهوم با طب سلولی متفاوت هستیم. یکی در روش تحقیق است و دیگری در طبع است.

در بخش سوم پیشگیری ساختاری را در ۹ بخش تبیین کردم و عمده تلاش بنده این بود که ساختار پیشگیری در ذهن به صورت اجمالی شما شکل بگیرد.

در نهایت نسخه را در سه سطح نسخه درمان، نسخه مشاوره و نسخه موازنه تشریح کردم.

ان‌شاءالله توفیق پیدا کنم در بخش‌های آینده این مباحث را خدمتتان به صورت مفصل‌تر ارائه کنم.

و الحمدلله رب العالمین

پیوست‌ها

پیوست ۱: سند رساله ذهبیه

نوشته‌ای منسوب به امام رضا که در میان آثار باقی‌مانده از عصر حدیث شیعه موجود است. این نوشته به درخواست مأمون عباسی از امام رضا نوشته شده است. بعضی در استناد این کتاب به امام رضا مناقشه کرده‌اند. از جمله تأییدکنندگان صحت استناد این کتاب، علامه مجلسی ثانی است که آن را از کتب معروفه میان شیعه دانسته و همچنین محدث نوری است.

خاتمه مستدرک الوسائل ج ۱ ص ۲۲۴-۲۲۹ / بحار الانوار ج ۱ ص ۳۰

أَخْبَرَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنُ مُوسَى التَّلَعُكَبْرِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَامٍ بْنِ سَهِيلٍ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهور قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي وَكَانَ عَالِمًا بِأَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ خَاصًّا بِهِ مَلَاذِمًا لِحَدِيثِهِ وَكَانَ مَعَهُ جِيبٌ حُمَلٍ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى الْمَأْمُونِ إِلَى خُرَاسَانَ وَاسْتَشْهَدَ بِطُوسَ وَهُوَ ابْنُ تِسْعٍ وَأَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ كَانَ الْمَأْمُونُ بِنَيْسَابُورَ وَفِي مَجْلِسِهِ سَيِّدِي أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا وَجَمَاعَةٌ مِنَ الْفَلَّاسِقَةِ وَالْمُتَطَبِّبِينَ مِثْلَ ...

طب الامام الرضا ص ۳-۶

أَقُولُ وَجَدْتُ بِحِطِّ الشَّيْخِ الْأَجَلِّ الْأَفْضَلِ الْعَلَامَةِ الْكَامِلِ فِي فُنُونِ الْعُلُومِ وَالْأَدَبِ مَرْوَجِ الْمِلَّةِ وَالدِّينِ وَالْمَذْهَبِ نُورِ الدِّينِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْعَالِي الْكُرْكَي جَزَاهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ عَنِ الْإِيمَانِ وَ عَنِ أَهْلِ الْجَزَاءِ السُّنْبِي مَا هَذَا لَفْظُهُ الرِّسَالَةُ الذَّهَبِيَّةُ فِي الطَّبِّ الَّتِي بَعَثَ بِهَا الْإِمَامَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا إِلَى الْمَأْمُونِ الْعَبَّاسِيِّ فِي حِفْظِ صِحَّةِ الْمَرْجِحِ وَتَدْيِيرِهِ بِالْأَغْذِيَّةِ وَالْأَشْرِبَةِ وَالْأَدْوِيَّةِ. قَالَ إِمَامُ الْأَتَامِ ... [أَبُو] الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا ... اَعْلَمَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى آخِرِ مَا سَيَأْتِي مِنَ الرِّسَالَةِ.

وَ وَجَدْتُ فِي تَأْلِيفِ بَعْضِ الْأَفْاضِلِ بِهِدْيِ السَّنَدِينَ قَالَ مُوسَى بْنُ عَلِيِّ بْنِ

جَابِرِ السَّلَامِيِّ أَخْبَرَنِي الشَّيْخُ الْأَجَلُّ الْعَالِمُ الْأَوْحَدُ سَدِيدُ الدِّينِ يَحْيَى بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلْبَانَ الْخَازِنِ أَدَامَ اللَّهُ تَوْفِيقَهُ قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو مُحَمَّدِ الْحَسَنِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهور.

أَقُولُ وَ ذَكَرَ الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرِ الطُّوسِيِّ قَدَسَ اللَّهُ رُوحَهُ الْفُؤَدُوسِي فِي الْفَهْرِسْتِ فِي تَرْجَمَةِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ جُمُهور الْعَمِّي الْبُصْرِيِّ لَهُ كُتُبٌ مِنْهَا كِتَابُ الْمَلَاجِمِ وَ كِتَابُ الْوَأَحِدَةِ وَ كِتَابُ صَاحِبِ الزَّمَانِ وَ لَهُ الرِّسَالَةُ الْمَذْهَبِيَّةُ عَنِ الرِّضَا (أَخْبَرَنَا بِرِوَايَاتِهِ كُلِّهَا إِلَّا مَا كَانَ فِيهَا مِنْ غُلُوٍّ أَوْ تَخْلِيضٍ جَمَاعَةٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهور).

وَ رَوَاهَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَثِيلٍ (٨) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْعَلَوِيِّ عَنِ الْعَمْرُكِيِّ بْنِ عَلِيِّ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهور.

وَ ذَكَرَ النَّجَاشِيُّ أَيْضًا طَرِيقَهُ إِلَيْهِ هَكَذَا أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ الْكَاتِبِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الْهُدَلِيِّ الْمُسْعُودِيِّ قَالَ لَقِيتُ الْحَسَنَ بْنَ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهور فَقَالَ لِي حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ جُمُهور وَهُوَ ابْنُ مِائَةٍ وَ عَشْرٍ سِنِينَ.

وَ أَخْبَرَنَا ابْنُ شَدَّادَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ سَعْدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهور بِجَمِيعِ كُتُبِهِ.

وَ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ شَهْرَآشُوبٍ قَدَسَ سِرُّهُ فِي كِتَابِ مَعَالِمِ الْعُلَمَاءِ فِي تَرْجَمَةِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ لَهُ الرِّسَالَةُ الْمَذْهَبِيَّةُ عَنِ الرِّضَا فِي الطَّبِّ انْتَهَى.

وَ ذَكَرَ الشَّيْخُ مُنْتَجِبُ الدِّينِ فِي الْفَهْرِسْتِ أَنَّ السَّيِّدَ فَضْلَ اللَّهِ بْنَ عَلِيِّ الرَّائِدِي كَتَبَ عَلَيْهَا شَرْحًا سَمَّاهُ تَرْجَمَةَ الْعَلَوِيِّ لِلطَّبِّ الرَّضَوِيِّ.

فَطَهَّرَ أَنَّ الرِّسَالَةَ كَانَتْ مِنَ الْمَشْهُورَاتِ بَيْنَ عُلَمَائِنَا وَ لَهُمْ إِلَيْهِ طُرُقٌ وَ أَسَانِيدٌ لَكِنْ كَانَ فِي نُسْخَتِهَا التِّي وَصَلَتْ إِلَيْنَا اخْتِلَافٌ فَاحْشِ أَشْرَافَنَا إِلَى بَعْضِهَا وَ لَنْشَرِّعَ فِي ذِكْرِ الرِّسَالَةِ ثُمَّ فِي شَرْحِهَا عَلَى الْإِجْمَالِ.

بحار الانوار ج ۵۹ ص ۳۰۵-۳۰۹

خاصیت بحث از روش تحقیق چیست؟ مهم‌ترین فایده‌ای که متصور است آن است که اگر فردی یا مکتبی روش تحقیق داشته باشد می‌تواند تولید علم کند و وقتی از روش تحقیق بحث خود را شروع می‌کنید در واقع به صورت منضبط تولید علم کرده‌اید و فایده دیگر آن است از طرف مکاتب دیگر که خود بر اساس ظنیات شبه علم تولید می‌کنند متهم نمی‌شود چرا که شما روش تحقیق علمی دارید که مبتنی بر علم امام علیه‌السلام بنا شده است.

اگر بخواهیم با شاخص روش تحقیق مقالات و تحلیل‌ها موجود را بررسی کنیم به نظر من تمام مقاله‌های ISI شبه علم است. این در حالی است که در رسانه کاملاً برعکس جاافتاده است و سؤال می‌شود اصلاً طب اسلامی داریم؟ سؤال از روش تحقیق بسیار مهم است و الا نمی‌توانید از گزاره‌های علمی خود دفاع کنید. باید از روش تحقیق بحث کنید و روش تحقیق خود را با روش‌های تحقیق موجود مقایسه کنید.

* مسیرهای ارتباطی:

پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه nro-di.blog.ir

کانال "الگو 4" در پیام‌رسان ایتا @olgou4

